



Presenting the Four-Dimensional "Mobin" Model for the Analysis of Persian Translations of the Qur'an (A Case Study of Surah al-Kawthar)

Ghasem Faez¹, Somayeh Kerdari²

¹ Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. ghafez@ut.ac.ir

² Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran (**Corresponding author**). kerdarisomayeh@ut.ac.ir

Abstract

The translation of the Holy Qur'an has always been among the most challenging domains of linguistic and religious studies. Many Persian translations of the Qur'an, despite their efforts to convey the message, have failed to reflect all the linguistic dimensions of the verses (word, meaning, sound, and context). In this regard, the central research question of the present study is how a translation of the Qur'an can be produced that remains faithful to the sacred text while effectively conveying the distinctive structure of the verses in terms of meaning, wording, context, and sound. "Text," as one of the fundamental tools in linguistic and semantic studies, plays a pivotal role in the analysis of religious messages, particularly those of the Holy Qur'an. This study, with the aim of analyzing Persian translations of the Qur'an, introduces the four-dimensional "Mobin" model and applies it in a case study of Surah al-Kawthar. The research method is qualitative and descriptive-analytical, employing textual analysis and comparative translation evaluation. The Mobin model assesses translation in four dimensions: "semantic," "expressive," "contextual and cohesive," and "phonological." The findings indicate that translations confined to only one or two dimensions have failed to transmit the multilayered message of the Surah, whereas the translation presented on the basis of the Mobin model, due to its simultaneous attention to linguistic, exegetical, and aesthetic components, has been more successful in effectively conveying the meaning. The unique feature of Surah al-Kawthar in possessing "compressed vocabulary" has further enriched the analytical depth of the study, demonstrating that careful attention to rare and unfamiliar terms is essential for producing a more precise translation. The Mobin model also has the potential to be generalized to the translation of other Surahs and can be applied in the teaching and evaluation of translations of sacred texts.

Keywords: Holy Qur'an, Text, Qur'an Translation, Mobin Model, Surah Al-Kawthar.

Received: 2024/07/12 ; Received in revised form: 2024/09/08 ; Accepted: 2024/10/02 ; Published online: 2024/12/26

© The Author(s).

Article type: Research Article

Publisher: Islamic Azad University of Qom



ارائه مدل چهاربُعدی «مبین» برای تحلیل ترجمه‌های فارسی قرآن (مطالعه موردی سوره کوثر)

قاسم فائز^۱، سمیه کرداری^۲

^۱ دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. ghfaez@ut.ac.ir

^۲ دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول). kerdarisomayah@ut.ac.ir

چکیده

ترجمه قرآن کریم همواره یکی از چالش‌برانگیزترین عرصه‌های مطالعات زبانی و دینی بوده است. بسیاری از ترجمه‌های فارسی قرآن، به‌رغم تلاش در انتقال پیام، نتوانسته‌اند همه ابعاد زبانی آیات (لفظ، معنا، آوا، فضا) را بازتاب دهند. در این راستا، مسئله پژوهش حاضر این است که چگونه می‌توان ترجمه‌ای از قرآن ارائه داد که هم وفادار به متن مقدس باشد و هم ساختار ویژه آیات را در ابعاد معنا، لفظ، فضا و آوا به خوبی منتقل کند؟ «متن» به‌عنوان یکی از ابزار بنیادین در مطالعات زبان‌شناختی و معناشناسی، در تحلیل پیام‌های دینی به‌ویژه قرآن کریم، نقش محوری دارد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل ترجمه‌های فارسی قرآن کریم، مدل چهاربُعدی «مبین» را معرفی و در مطالعه‌ای موردی، در سوره کوثر پیاده‌سازی کرده است. روش تحقیق این مطالعه کیفی، توصیفی-تحلیلی است و با رویکرد تحلیل متن و تطبیق ترجمه‌ها انجام شده است. مدل مبین، ترجمه را در چهار بُعد «معنایی»، «بیانی»، «یکپارچگی بافت و فضا» و «نغمه‌ای» ارزیابی می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ترجمه‌هایی که به یک یا دو بُعد محدود شده‌اند، از انتقال پیام چندلایه سوره بازمانده‌اند؛ در حالی که ترجمه ارائه‌شده براساس مدل مبین، به دلیل توجه همزمان به مؤلفه‌های زبانی، تفسیری و زیبایی‌شناسی، در انتقال مؤثرتر معنا توفیق داشته است. ویژگی کم‌نظیر سوره کوثر در برخورداری از واژگان «تکآمد» نیز به غنای تحلیلی پژوهش افزوده و نشان داد که دقت در واژگان خاص و ناآشنا برای تولید ترجمه‌ای دقیق‌تر، ضروری است. مدل مبین قابلیت تعمیم به ترجمه دیگر سوره‌ها و کاربرد در آموزش و ارزیابی ترجمه‌های متون مقدس را نیز دارد.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، متن، ترجمه قرآن، مدل مبین، سوره کوثر.

۱. مقدمه

قرآن کریم به‌عنوان متنی الهی و چندلایه، همواره توجه مترجمان و پژوهشگران را به خود جلب کرده است. با وجود تلاش‌های ارزنده در ترجمه این کتاب آسمانی، هنوز چالش‌های بنیادینی در انتقال مفاهیم ژرف، ساختارهای ادبی و ویژگی‌های زبانی آن به زبان فارسی وجود دارد. تفاوت‌های اساسی میان زبان مبدأ (عربی قرآن) و زبان مقصد (فارسی)، ماهیت اعجازگونه متن قرآنی و حضور لایه‌های معنایی متعدد، سبب شده که ترجمه قرآن نه تنها یک فعالیت زبانی بلکه مسئله‌ای پیچیده و چندبُعدی تلقی شود. مطالعات ترجمه قرآن نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، ظرافت‌های معنایی و بافتی آیات، یا نادیده گرفته می‌شوند یا به‌شکلی تقلیل‌یافته انتقال می‌یابند. همچنین، ساختار نحوی، موسیقی متن و سیاق نزول آیات، در روند ترجمه با دشواری‌هایی مواجه‌اند. یکی از مسائل مغفول، نحوه برخورد مترجمان با واژگان نادر یا خاص قرآن است؛ واژگانی که تنها یک‌بار در متن کتاب الهی آمده‌اند و به‌لحاظ زبانی و تفسیری نیازمند تأملی مضاعف‌اند. از سوی دیگر، نبود یک چارچوب نظام‌مند و چندساحتی برای تحلیل و ارزیابی ترجمه‌ها باعث شده پژوهش در این حوزه بیشتر به توصیف ترجمه‌ها محدود شود، بی‌آنکه تحلیلی جامعی از ابعاد گوناگون انتقال معنا، سبک، فضا و زیبایی‌شناسی صورت گیرد. با آنکه کوشش‌های متعددی برای ترجمه قرآن انجام گرفته، هنوز پرسش‌هایی بنیادین مطرح است: ترجمه‌های فارسی قرآن تا چه حد در انتقال لایه‌های گوناگون پیام قرآنی موفق بوده‌اند؟ چه مؤلفه‌هایی در سنجش کفایت یا ناکفایتی ترجمه‌ها باید لحاظ شود؟ و در نهایت، چگونه می‌توان به ارزیابی روشمند و منسجم از این ترجمه‌ها دست یافت؟ اهمیت این پژوهش در پاسخ‌گویی به نیاز روزافزون برای تحلیل علمی و دقیق ترجمه‌های قرآن کریم نهفته است. ارتقاء سطح علمی مطالعات ترجمه قرآن، فراهم‌سازی چارچوبی نظام‌مند و میان‌رشته‌ای برای تحلیل ترجمه‌ها و امکان مقایسه دقیق‌تر میان ترجمه‌های مختلف، از جمله مواردی است که با انجام این پژوهش میسر خواهد شد. با استفاده از مدل «مبین» که ابعاد معنا، بیان، فضا و نغمه را همزمان مدنظر قرار می‌دهد، می‌توان به بررسی جامع‌تری از کفایت ترجمه‌ها دست یافت و در نتیجه، ترجمه‌هایی دقیق‌تر، زیباشناسانه‌تر و معنادارتری برای مخاطب فارسی‌زبان پیشنهاد کرد. این مدل همچنین، قابلیت کاربرد در آموزش، نقد ترجمه و مطالعات تطبیقی را دارد و می‌تواند در تدوین ترجمه‌های آینده نیز نقش مؤثری ایفا کند. مواردی از قبیل پیشگیری از آسیب جدی در حوزه مطالعات ترجمه قرآن، خارج ساختن ترجمه‌ها از سطح توصیفی، توجه به ابعاد چندگانه معنا و زبان قرآن و ایجاد معیاری منسجم برای تحلیل ترجمه‌ها، از ضرورت‌های انجام این پژوهش هستند. همچنین، واژگان خاص و نادر قرآن -به‌ویژه واژگان «تکامد»- که فقط یک‌بار در کل قرآن آمده‌اند،

بدون تحلیل دقیق و روشمند، ممکن است به صورت سطحی یا نادقیق ترجمه شوند و پیام اصلی سوره‌ها (مانند سوره کوثر) دچار تحریف معنایی یا زبانی گردد. در نبود این پژوهش، خطر گسترش ترجمه‌های نامتوازن و گاه گمراه‌کننده در فضای عمومی و آموزشی نیز افزایش می‌یابد و فهم دقیق پیام قرآنی برای مخاطب امروز، دشوارتر می‌شود.

۲. روش تحقیق

این پژوهش، یک مطالعه کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی است که با هدف طراحی و اجرای یک مدل مفهومی جدید برای تحلیل ترجمه‌های فارسی قرآن صورت گرفته است. داده‌های تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع تفسیری، لغوی و علوم قرآنی گردآوری شده‌اند. روش تحلیل در این پژوهش، مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی است؛ بدین معنا که مفاهیم و ابعاد تحلیلی مدل پیشنهادی «مبین» از دل منابع و تحلیل ترجمه‌ها استخراج و سامان‌دهی شده‌اند. در این پژوهش، مدلی چهاربُعدی و میان‌رشته‌ای برای تحلیل ترجمه‌های فارسی قرآن کریم با نام «مبین» ارائه می‌شود.

۳. معرفی و نام‌گذاری مدل «مبین»

نظریه «مطالعات ترجمه» جیمز هولمز، یکی از نخستین تلاش‌ها برای نظام‌مند ساختن مطالعات ترجمه به مثابه یک رشته علمی مستقل است. وی در مقاله معروف خود^۱ این حوزه را به دو شاخه اصلی تقسیم می‌کند: مطالعات نظری و مطالعات کاربردی. شاخه نظری به بررسی اصول، ماهیت و عوامل تأثیرگذار در فرآیند ترجمه می‌پردازد؛ در حالی که شاخه کاربردی شامل آموزش ترجمه، تدوین فرهنگ‌نامه‌ها و ارزیابی کیفیت ترجمه‌ها می‌شود (Holmes, 1988, p. 71-73). مدل چهاربُعدی «مبین» را می‌توان در چارچوب نظریه هولمز، ذیل مطالعات کاربردی ترجمه طبقه‌بندی کرد؛ چراکه به ارائه الگویی برای تحلیل و ارزیابی ترجمه‌های قرآنی می‌پردازد. با این حال، از آنجا که مبانی مدل مبین در تحلیل ساختار زبانی، معناشناختی، آوایی و فضایی آیات قرآن است؛ می‌توان آن را در مرز میان دو شاخه کاربردی و نظری دانست. این مدل، ضمن کمک به ارتقای آموزش ترجمه دینی، امکان نقد علمی ترجمه‌ها را نیز فراهم می‌آورد (Munday, 2016, p. 18-21). انتخاب این نام بر مبنای پیوند مفهومی و زبانی با متن قرآن صورت گرفته است؛ واژه «مبین» از پرکاربردترین اوصاف قرآن در خود قرآن است (مانند: «کتابٌ مبین») و دلالت بر روشنی، شفافیت و تبیین‌پذیری دارد. از آنجا که ترجمه

قرآن نیز با هدف روشن‌سازی مفاهیم الهی برای مخاطب انجام می‌شود؛ این نام کاملاً متناسب با هدف نظری و عملی مدل پیشنهادی است. مدل مبین (وضع شده در این پژوهش) بر پایه تحلیل ترجمه در چهار بُعد اساسی بنا شده است:

۱) بُعد معنا: تحلیل دقت انتقال مفاهیم آیات، میزان وفاداری به معنا و ارتباط ترجمه با تفاسیر معتبر.

۲) بُعد شیوه بیان: منظور از «بیان» در اینجا، قالب و ساخت زبانی انتقال معنا است، نه خود معنا. این بُعد به بررسی واژه‌گزینی، سبک نگارش، ساختار نحوی و جلوه‌های لفظی ترجمه در مقایسه با متن اصلی می‌پردازد؛ با هدف سنجش میزان شفافیت، فصاحت و نزدیکی سبک مترجم به شیوه بیان قرآن.

۳) بُعد یکپارچگی (بافت و فضا): توجه به سیاق آیه، فضای معنایی، شرایط مخاطب اولیه و جایگاه آیه در ساختار سوره.

۴) بُعد نغمه (آوا): تحلیل موسیقی کلام، آهنگ جملات، ریتم و تلاش مترجم برای انتقال جلوه‌های زیبایی‌شناختی متن عربی.

مدل مبین با تأکید بر تلفیق جنبه‌های زبانی، معنایی، بافتی و زیبایی‌شناختی، به دنبال ارائه ابزاری تحلیلی و نظام‌مند برای ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های قرآن است. این مدل در پژوهش حاضر، بر سوره کوثر به عنوان نمونه‌کاوی پیاده‌سازی شده؛ اما قابلیت تعمیم به سایر سوره‌ها و حتی دیگر زبان‌ها را دارد. افزون بر این، مبین می‌تواند به عنوان چارچوبی کاربردی در آموزش ترجمه متون مقدس، مطالعات ترجمه‌پژوهی و تحلیل تطبیقی ترجمه‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

۴. پیشینه پژوهش

در حوزه مطالعات قرآنی، پژوهش‌های متعددی به بررسی ترجمه‌های قرآن، ابعاد زبانی و معنایی متن قرآنی و نیز تحلیل‌های ساختاری متون دینی اختصاص یافته‌اند. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که به نوعی با موضوع مقاله حاضر مرتبط هستند، اشاره می‌شود:

۱) کریمی‌نیا (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تکامد^۱ در قرآن، تحلیلی بر واژه‌ها و ترکیبات تک‌کاربرد در قرآن کریم»، فهرستی کامل از این الفاظ ارائه داده تا بر مبنای آن، بتوان تصویر روشنی از تعداد، پراکندگی، دامنه و دایره‌های معنایی تکامدها در قرآن به دست آورد. این فهرست می‌تواند

۱. معادل واژه یونانی «Hapax legomenon» و یا عربی «اللفظ الفرید/الفرائد» است. برای مطالعه بیشتر به مقاله «تکامد در قرآن، تحلیلی بر واژه‌ها و ترکیبات تک‌کاربرد در قرآن کریم» مراجعه فرمایید.

به صورت کلی یا جزئی، موضوع بررسی دیگر محققان علاقه‌مند به واژه‌شناسی قرآنی شود.

(۲) نلسون (۲۰۰۱ م) در کتاب «هنر تلاوت قرآن»، به تفصیل مواردی از قبیل متن قرآن، تجوید، جدال سَماع (شنیدن/اسماع موسیقایی)، قرائت ایده‌آل، آوای قرآنی و... را بیان کرده است.

(۳) فلاح و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «کاربردشناسی نشانه‌های آوایی در نظام معنایی قرآن کریم (تحلیل موردی سوره مرسلات)»، انواع کاربردهای نشانه‌های آوایی و ارتباط آنها با معنا را با بررسی کرده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که نشانه‌های آوایی در نظام معنایی قرآن در تصویرگری حوادث عظیم قیامت و کیفر مجرمان، همچنین، در تصویرسازی حال مؤمنان در سوره مرسلات، سهمی سترگ دارند.

(۴) نظری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «وجوه ابهام یا ابهام نحوی در زبان عربی و تأثیر آن بر ترجمه قرآن کریم» به این نتیجه رسیده که توجه به بافت زبانی و غیرزبانی کلام می‌تواند تا حد چشمگیری مشکل فهم معنا را برطرف سازد؛ اما مشکل آنجا است که قرائن کافی و یا مستدل برای یک معنا وجود نداشته باشد و از سوی دیگر، نمی‌توان میان معانی مختلف جمع کرد.

۴-۱. نقاط اشتراک با پیشینه (وجوه همپوشانی)

♦ توجه به متن قرآن: با پژوهش کریستینا نلسون (۲۰۰۱ م) و کریمی‌نیا (۱۳۹۳)، در پرداختن به ساختار و ابعاد متن قرآن.

♦ تمرکز بر تحلیل واژگانی یا معنایی: اشتراک با پژوهش کریمی‌نیا (۱۳۹۳) (تحلیل واژگان تکاملد)، فلاح و همکاران (۱۳۹۴) (آوا و معنا) و نظری (۱۳۹۵) (ابهام نحوی و معنایی).

♦ استفاده از روش‌های نوین تحلیل متن: اشتراک با پژوهش و فلاح و همکاران (۱۳۹۴) که از رویکردهای زبان‌شناختی یا نشانه‌شناختی استفاده کرده‌اند.

♦ تمرکز بر یک سوره خاص به عنوان نمونه پژوهش: شباهت با پژوهش فلاح و همکاران (۱۳۹۴) (سوره مرسلات)؛ و مقاله حاضر (سوره کوثر).

۴-۲. نقاط افتراق با پیشینه (تفاوت‌ها و تمایزها)

♦ رویکرد چهاربُعدی تحلیلی (مدل مبین): مقاله حاضر به طور خاص چهار بُعد متن، بافت، انسجام و نشانه‌های زیباشناختی را در ترجمه تحلیل می‌کند؛ در حالی که آثار پیشین صرفاً واژگانی، نحوی، یا آوایی‌اند.

♦ تمرکز بر ترجمه‌های فارسی قرآن: برخلاف بیشتر منابع پیشینه که متن عربی قرآن را تحلیل کرده‌اند، این مقاله تحلیل ترجمه‌ها را در دستور کار دارد (به‌ویژه از منظر مدل تحلیلی خاص).

✦ نگاه مدل محور و نظام‌مند: مدل «مبین» روشی ساخت‌یافته و قابل تعمیم برای تحلیل ترجمه‌ها ارائه می‌دهد که در آثار پیشین دیده نمی‌شود.

✦ ترکیب ابعاد زبانی، معنایی و زیبایی‌شناختی در تحلیل ترجمه: این جامعیت در ترکیب چهار بُعد، کمتر در آثار قبلی دیده می‌شود که معمولاً بر یک بُعد خاص متمرکز هستند (مثلاً آوا، یا ایهام نحوی).

۴-۳. نقاط مغفول در پیشینه

✦ نبود مدل ترکیبی و چندبُعدی برای تحلیل ترجمه قرآن: پیشینه عمدتاً تک‌بعدی است و تحلیل‌ها عمدتاً ناظر به متن عربی هستند، نه ترجمه‌های فارسی قرآن.

✦ فقدان توجه خاص به سوره کوثر از منظر ترجمه‌شناختی: اگرچه تحلیل سوره‌محور در برخی موارد دیده می‌شود (مانند مرسلات)، اما سوره کوثر به‌عنوان سوره‌ای خاص با ایجاز زبانی، کمتر موضوع تحلیل تطبیقی ترجمه‌ای قرار گرفته است.

✦ نبود پیوند میان زیبایی‌شناسی آوایی و انتقال آن در ترجمه فارسی: پژوهش فلاح و همکاران (۱۳۹۴) به آوا در متن عربی می‌پردازد، اما به انتقال این جلوه‌ها در ترجمه‌ها توجه نشده است.

۴-۴. نوآوری پژوهش

✦ ارائه یک مدل نوین تحلیل ترجمه (مدل مبین) با چهار بُعد: نخستین بار مدلی چندبُعدی و بومی برای ارزیابی ترجمه‌های فارسی قرآن ارائه شده است.

✦ ترکیب دانش زبان‌شناسی متن، نشانه‌شناسی، زیبایی‌شناسی و قرآن‌پژوهی: این رویکرد تلفیقی و میان‌رشته‌ای در آثار پیشین به‌صورت جامع دیده نمی‌شود.

✦ تحلیل تطبیقی ترجمه‌های فارسی با تکیه بر عملکرد معنایی-زیباشناختی آیات کوثر: پژوهش، رویکردی کاربردی در بررسی نقاط قوت و ضعف ترجمه‌ها در انتقال معانی و جلوه‌های ادبی دارد.

۵. ادبیات تحقیق

۵-۱. اقسام متن

متن دو نوع است: گزارشی و توصیفی (فانز، ۱۴۰۳، ص ۳):

متن گزارشی: متن گزارشی، معنامحور بوده و ویژگی‌های آن عبارت است از: وضوح، دقت، خالی بودن از آرایه‌های ادبی؛ و هدف آن بیان رویدادها و توضیح و آموزش است؛ مثل متون خبری، علمی و آموزشی (ناظمیان، ۱۳۸۶، ص ۳۱). متن گزارشی بر دو قسم است: رسمی و غیررسمی (فانز، ۱۴۰۳، ص ۳). متن رسمی، مثل مقالات علمی که حاوی اصطلاحات علمی و نکته‌های دقیق

و نثر استوار و فاخری است. واحد ترجمه در این متون، جمله و کلام خواهد بود. متن غیررسمی، ساده، روان و دارای کلمات و تعابیر رایج و نزدیک به زبان محاوره است. واحد ترجمه در این متون، پاراگراف بوده و هدف آن، انتقال مفهوم کلی متن است (همان).

متن توصیفی: متن توصیفی، تأثیرمحور است و ویژگی‌های آن عبارتند از: برانگیختن احساسات و استفاده از آرایه‌های ادبی که زائیده خیال نویسنده است (فائز، ۱۴۰۳، ص ۳۳)؛ و هدف آن تحریک خواننده با وصف احساسات، مناظر و رویدادها است؛ مثل قصه‌های ادبی، سخنرانی‌های سیاسی و مذهبی. هیچ متنی صددرصد گزارشی یا صددرصد توصیفی نیست (همان، ص ۳۱). قرآن نیز متنی توصیفی - گزارشی است.

۵-۲. ابعاد متن

متن چهار بُعد دارد که عبارتند از: لفظ، معنا، فضا و آوا (جوهری، ۱۳۹۵):

بُعد لفظ: دارای قرائات مختلف: لفظ، صوتی است که از دهان خارج می‌شود؛ خواه با معنا باشد (مستعمل)، خواه بی معنا (مهمل) (جرجانی، ۱۳۷۰). لفظ قرآن ویژگی‌هایی دارد که عبارتند از:

♦ **دقیق بودن:** لفظ از لحاظ مناسبت با فضا، موضوع، معنای مراد و بلاغت، به دقت انتخاب شده است؛ به طوری که هیچ واژه‌ای بهتر از آن وجود ندارد که در آن موقعیت، نقش آن را بهتر ایفا کند.

♦ **دارای قرائات مختلف:** اختلاف لفظ گاهی به اختلاف معنای هر چند اندک و ظاهری منجر می‌شود که در ترجمه تأثیرگذار است. مثل: «تُرْجَعُونَ» در آیه «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أََمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (بقره، ۲۸)؛ در برخی منابع، مانند قرائت یعقوب، این واژه به صورت معلوم یعنی «تُرْجَعُونَ» خوانده شده است؛ اما در ترجمه تفسیر نمونه، براساس قرائت مشهور، به صورت مجهول ترجمه و به درستی منعکس شده است. «چگونه به خداوند کافر می‌شوید؟! در حالی که شما مردگان (و اجسام بی‌روحی) بودید و او شما را زنده کرد؛ سپس شما را می‌میراند؛ و بار دیگر شما را زنده می‌کند؛ سپس به‌سوی او بازگردانده می‌شوید (بنابراین، نه حیات و زندگی شما از شما است و نه مرگتان؛ آنچه دارید، از خدا است)» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۵۹). مثل «حمالة» که حال برای «امراة» است «وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ» (مسد، ۴). بقیه قراء غیر از حفص آن را «حمالة» قرائت کرده‌اند که خبر برای «امراة» است. در ترجمه تفسیر نمونه «و همچنین همسرش در حالی که هیزم به دوش می‌کشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۷، ص ۴۱۶)، به درستی معنی شده است. مثل «صنین» در آیه «وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ» (تکویر، ۲۴)؛ «او نسبت به آنچه از طریق وحی دریافت داشته، بخل ندارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۶، ص ۱۸۸)، که به معنای بخیل است و در تفسیر نمونه به درستی معنی شده؛ ولی ابن کثیر، ابو عمر و کسایی آن را

«ظنین» به معنای مظنون خوانده‌اند (خاروف، ۱۴۲۰ق، ص ۵۸۶).

✦ برخی واژگان دارای اغلاط املائی هستند، مانند «غداوة» که صحیح آن «غداة» است. **بُعد معنا:** معنا از ریشه «عنی» به معنای اراده کردن، قصد کردن، در نظر داشتن و چیزی را منظور داشتن، گرفته شده و به معنای مدلول، مفهوم، مُفاد، محتوا و مقصود آمده (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۲۱۱۹۰). در اصطلاح، تهانوی معنی را «مقصود از لفظ» تعریف می‌کند (تهانوی، ۱۹۹۶م، ج ۲، ص ۱۶۰۰) و در ادامه، به نقل از شروح شمسیه، تعریف دیگری نیز می‌آورد: «صورت ذهنی حاصل از لفظ، مشروط به وضع» (همان). منظور از بُعد معنایی در مدل مبین، نه فقط انتقال معنای ظاهری واژگان، بلکه در نظر گرفتن لایه‌های گوناگون معنا در آیات قرآن است؛ لایه‌هایی که در سنت تفسیری اسلامی با مفاهیمی چون ظاهر و باطن، تأویل و تنزیل، محکم و متشابه، و نیز بطون آیات شناخته شده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۳-۱۰؛ غزالی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۷۹). این جنبه‌ها نشان می‌دهند که معنا در قرآن، چندسویه، پویا و وابسته به زمینه تفسیری و گفتمانی است (سجادی، ۱۳۸۷، ص ۵۵-۷۶). از این رو، تحلیل ترجمه‌ها در مدل مبین، لزوماً به بررسی معنای لغوی محدود نمی‌شود؛ بلکه نسبت معنای استخراج شده در ترجمه با تفاسیر معتبر و جریان‌های تأویلی نیز سنجیده می‌شود، تا میزان وفاداری به ساحت معنایی قرآن روشن گردد. توجه به معنای واژگان، نقش مهمی در فهم مراد خداوند دارد؛ مثلاً «تَعْمَلُونَ» در آیات «قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَحْتُونَ* وَاللَّهِ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ» (صافات، ۹۵-۹۶) به معنای «می‌سازید» است؛ ولی اشاعره آن را به معنای مشهورش یعنی «انجام می‌دهید» گرفته‌اند و در نتیجه، قائل به جبر شده‌اند؛ یعنی خدا خالق اعمال ما است. در تفسیر نمونه، این آیات به درستی ترجمه شده است: گفت: «آیا چیزی را می‌پرستید که با دست خود می‌تراشید؟ باینکه خداوند، هم شمارا آفریده و هم، بت‌هایی که می‌سازید!» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۹، ص ۱۰۰).

بُعد فضا: هر متنی، قرائن پیوسته و ناپیوسته‌ای دارد که بدون توجه به آنها، فهم مقصود گوینده از آن غیرممکن است، به این قرائن، فضای متن گفته می‌شود. بنابراین، فضای متن عبارت است از: قرائن لفظی، حالی، لحن آیه، سبب نزول، فرهنگ زمانه، مکان صدور، زمان صدور، عبارات مجاور، زمینه تاریخی، ویژگی‌های گوینده و مخاطب (فانز، ۱۴۰۳، ص ۵).

مثال برای فرهنگ زمانه: «يَا أُخْتُ هَارُونَ» در آیه «يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأً سَوْءًا وَمَا كَانَتْ أُمَّكَ بَغِيًّا» (مریم، ۲۸). هارون فرد صالحی بود که به صلاح شهره بود؛ از این رو، در فرهنگ زبانی یهود که به عرب جاهلی نیز سرایت کرده بود، هر فرد صالحی را خواهر یا برادر او می‌شمردند. در تفسیر نمونه، این آیه به درستی ترجمه شده است: «ای خواهر هارون! نه پدر تو مرد بدی بود و نه

مادرت زن بدکاره‌ای!)» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص ۵۰).

مثال برای زمان صدور: واژه زکات که اگر قبل از هجرت نازل شده باشد، به معنای انفاق و اگر بعد از هجرت نازل شده باشد، به معنای زکات فقهی است: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَبُوا مَعَ الرَّاكِبِينَ» (بقره، ۴۳). زکات در سال دوم هجری وضع شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۱۰)؛ سورة بقره مدنی است، پس زکات در آن به معنای زکات فقهی آمده است. در تفسیر نمونه، واژه زکات به معنای زکات فقهی، درست ترجمه شده است: «و نماز را به پا دارید و زکات را ادا کنید و همراه رکوع کنندگان رکوع نمایید (و نماز را با جماعت بگذارید)» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۰۷).

بعد آوا: آوای متن از درنگ (مکش)، تکیه و آهنگ^۱ تشکیل می‌شود که به آنها عناصر زبرزنجیری گویند (فانز، ۱۴۰۳، ص ۶):

♦ **درنگ:** درنگ توقف کوتاهی در زنجیره گفتار است که گاهی نقش تمایزدهنده دارد. مانند: «ما همه کار می‌کنیم» دو گونه خوانده می‌شود: «ما همه، کار می‌کنیم» (ما، همه کار می‌کنیم). ابهام‌های حاصل از مشخص نبودن جای درنگ، با کمی دقت و گذاشتن ویرگول برطرف می‌شود. در واقع، در هر زبانی می‌توان با ترکیب‌هایی از جمله مواجه شد که امکان حمل آن بر دو یا چند معنا وجود دارد (چینش واحد و خوانش متعدد). این دو یا چند معنا به دو یا چند تحلیل از یک چینش واحد بازمی‌گردد (پاکتچی، ۱۳۹۵). مثل: «... وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ...» (آل عمران، ۷)؛ که اگر «الرَّاسِخُونَ» عطف بر «اللَّهُ» باشد؛ دانش تأویل متشابهات ویژه خدا و راسخان در علم است و اگر جمله مستأنفه باشد؛ تأویل تنها مختص خدا است. برخی از ترجمه‌ها همچون ترجمه درست تفسیر نمونه «الرَّاسِخُونَ» را عطف بر «الله» گرفته، «... در حالی که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی‌دانند (آنها که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی‌اند)» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۳۰)؛ و برخی همچون ترجمه آیتی، جمله را مستأنفه گرفته‌اند، «در حالی که تأویل آن را جز خدای نمی‌داند و آنان که قدم در دانش استوار کرده‌اند، می‌گویند...».

مثال برای عدم درنگ: در آیه «نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ * عَلَىٰ أَنْ تُبَدَّلَ أُمَّالَكُم» (واقعه، ۶۰-۶۱)، در پایان «مَسْبُوقِينَ» نباید درنگ کرد؛ زیرا «وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ» جمله معترضه است و «عَلَىٰ أَنْ تُبَدَّلَ أُمَّالَكُم» متعلق به «قَدَرْنَا» است و بین فعل و متعلقش جای درنگ نیست.

۱. متن، رکن چهارمی نیز دارد که «نواخت» (Tone) نامیده می‌شود که عبارت است از زیر و بم در یک واژه؛ چون در زبان فارسی و عربی تأثیری در معنا ندارد، از بحث حاضر خارج است.

ترجمه فولادوند: «ماییم که میان شما مرگ را مقدر کرده‌ایم و بر ما سبقت نتوانید جست * (و می‌توانیم) امثال شما را به جای شما قرار دهیم».

نقد: فولادوند درست ترجمه نکرده است؛ زیرا فعل «می‌توانیم» در آیه مقصود نیست. «علی» علت تقدیر مرگ بین انسان‌ها را بیان می‌کند که جایگزین کردن انسان‌های دیگر است. ترجمه تفسیر نمونه: «ما در میان شما مرگ را مقدر ساختیم؛ و هرگز کسی بر ما پیشی نمی‌گیرد! در اینکه شما را فانی کرده و خلقی دیگر مثل شما بیافرینیم».

در تحلیل نحوی و بلاغی جمله «وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ * عَلَىٰ أَنْ تُبَدَّلَ آمَآلُكُمُ»، نکته‌ای که محل اختلاف است، تعیین جایگاه ساختاری و پیوند معنایی این دو جمله با یکدیگر است. در تفسیر نمونه، ظاهراً پیوند معنایی این جملات به گونه‌ای دیده شده که عبارت «عَلَىٰ أَنْ تُبَدَّلَ آمَآلُكُمُ» به عنوان متمم برای جمله پیش از خود تلقی نشده و به صورت مجزاً و ناهماهنگ ترجمه شده است؛ به طوری که از تعبیر «در اینکه...» برای ترجمه حرف «علی» استفاده شده است. این در حالی است که از منظر نحوی، جمله «وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ» جمله‌ای خبری است که عبارت «عَلَىٰ أَنْ تُبَدَّلَ آمَآلُكُمُ» می‌تواند به عنوان متعلق برای آن در نظر گرفته شود. بنابراین، جمله اخیر در پی تبیین مصداق ناتوان نبودن است؛ نه آنکه به صورت جمله‌ای معترضه تلقی گردد. بر این اساس، ترجمه صحیح‌تر آن است که «علی» را به معنای «برای» یا «بر اینکه» دانسته و بگوییم: «و ما از آن ناتوان نیستیم که همانندهای شما را جایگزین کنیم». در این صورت، استفاده از تعبیر «در اینکه...» نادرست خواهد بود؛ چراکه بار نحوی و بلاغی جمله را به سمت استقلال و گسستگی ساختاری سوق می‌دهد و ساختار آیه را دچار اختلال معنایی می‌کند.

♦ آهنگ: آهنگ، آن زیروبمی است که روی زنجیره آوایی کل جمله پدید می‌آید. تغییر آهنگ در جمله، در معنا تأثیر می‌گذارد و چه بسا موجب ابهام شود. استفاده صحیح از نشانه‌های سجاوندی، بهترین راه مقابله با چنین ابهامی است؛ مانند زید آمد / زید آمد؟ (فانز، ۱۴۰۳، ص ۷). مثلاً در آیه «فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي ...» (انعام، ۷۷)، «هَذَا رَبِّي» می‌تواند استفهامی باشد که حرف استفهام حذف شده و آهنگ تلاوت بر آن دلالت می‌کند. در روایت نیز آمده است که خبر گرفتن آن با منزه بودن انبیاء منافات دارد.

ترجمه تفسیر نمونه: «و هنگامی که ماه را دید که (سینه افق را) می‌شکافد، گفت: این خدای من است؟...».

ترجمه مشکینی: «پس چون ماه را در حال طلوع و شکافنده افق دید، گفت: این پروردگار من است. و چون غروب کرد، گفت: حَقًّا که اگر پروردگارم مرا هدایت نکند، حتماً از گروه گمراهان

خواهم بود». در ترجمه تفسیر نمونه «هَذَا رَبِّي» به درستی به شکل استفهامی ترجمه شده است.

✦ **تکیه:** «تکیه» شدت زیروبمی یا فشاری است که روی یکی از هجاها ظاهر می‌شود و آن هجا را نسبت به هجاهاى دیگر برجسته‌تر می‌کند. در هر واژه، تنها می‌توان یک هجا را برجسته کرد.^۱ مثال: «احدی در آنجا نبود»؛ «آقای احدی نبود/ هیچ‌کسی نبود» (حسنی، ۱۴۰۰).

این نوع تکیه را که تأکید بر واژه‌ای خاص در جمله، معنای آن را تغییر می‌دهد، «تکیه جمله» یا «تکیه واژه» می‌نامند. نوع دیگری از تکیه، «تکیه هجا» نام دارد که در آن، تغییر هجا در تکیه، تغییر معنا را سبب می‌شود. مانند «نشکن» (چوب را نشکن/ این لیوان نشکن است)، یا مثل «آتش» (جایی آتش گرفته است/ شلیک کنید).

تبصره: هر متن، قبل از ترجمه، باید تحلیل آوایی شود؛ به‌عنوان مثال عبارت «علی پدر محسن آمد»، به‌صورت زیر قابل تحلیل آوایی است:

- **تکیه روی «پای» علی:** علی! پدر محسن آمد. «علی» در این صورت منادا است.

- **بدون تکیه همراه درنگ بین علی و پدر:** علی، پدر محسن آمد. «پدر» در این صورت بدل از علی است.

مثال: فعل «فَسَقَى» در آیه «فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لَمَّا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» (قصص، ۲۴)، از ریشه «سقی» است که حرف «ف» در ابتدای آن جزء حروف اصلی فعل نیست و اگر تأکید روی «ف» صورت گیرد، به این معنا می‌شود: «آن دو، فاسق شدند»؛ پس لازم است تأکید روی حرف «س» قرار گیرد (حسنی، ۱۴۰۰).

۶. بررسی ترجمه سوره مبارکه کوثر با روش ترجمه «مبین»

سوره کوثر دارای سه آیه و ۱۰ واژه است. تعداد چهار واژه اصلی این سوره (الْكَوْثُرُ، اِنْحَرُ، شَانِيٍّ، الْاَبْتَرُ) فقط یک‌بار در قرآن ذکر شده و به اصطلاح، تکامد هستند. حضور واژگان خاص و ناآشنا باعث می‌شود خواننده یا شنونده، متوقف شود، تأمل کند و معنا را جست‌وجو کند. این پدیده در حوزه زبان‌شناسی «تکانه‌های شناختی»^۲ نامیده می‌شود؛ که کارکرد اصلی آن بیدار کردن ذهن و عمیق‌سازی توجه است (Schmidt, 1990, pp. 129-158). حضور چهار واژه تکامد در کوتاه‌ترین سوره قرآن کریم خودبه‌خود نشان‌دهنده انتقال پیام خاص به خواننده است که در چنین مواقعی، در

۱. تکیه صوتی، تأکید صوت بر روی حرف خاصی از کلمه است که سبب سهولت در تفهیم معنای آن شده و از آن در زبان‌های مختلف با کلماتی چون «نبر، آکسان، فشار، استرس و ضغط» تعبیر می‌شود.

ترجمه باید بیش از پیش دقت لازم به کار برده شود. به عبارت دیگر، «این سوره کوتاه باید حامل پیامی بی نظیر در سبک و مضمون است که زبان و واژگان خاصی برای ترجمه آن می طلبد». ترجمه قرآن کریم با مدل «مبین» این مشکل را برطرف کرده است.

بُعد لفظ: در ادامه سوره کوثر از سه جنبه دقت واژگان، قرائات مختلف و وجود یا عدم وجود اغلاط املائی بررسی می شود.

دقت واژگان:

واژه «الْكَوْثَرُ»: «الکوثر» اسم مفرد، معرفه و تکامد است، با «ال» تعریف و تنوین نصب. از نظر صرفی، «کَوُثْرٌ» اسم مبالغه است از ریشه «کَثَرٌ» که در اصل به معنی زیادی و فزونی است. وزن «فَوَعَلَ» در عربی برای مبالغه در وصف به کار می رود (مانند جَوَهْرٌ، جَوَزْرٌ، كَوُثْرٌ). این واژه از ماده «ک-ث-ر» گرفته شده بر وزن «فَوَعَلَ» به معنای آنچه شأنش آن است که کثیر باشد و به معنای خیر فراوان است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۱۲). ابن فارس می گوید: «کثر» به معنای زیادی و فراوانی است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۳۸). طبری در تفسیر «جامع البیان» از قول ابن عباس آورده: «الکوثر خیر کثیر»؛ کوثر به معنای خیر فراوان است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۷۲۷) و بعضی معانی دیگری ذکر کرده اند که عبارتند از: نهری در بهشت، حوض خاص رسول خدا(ص) در بهشت و یا در محشر، اولاد رسول خدا(ص)، اصحاب و پیروان آن جناب تا روز قیامت، علمای امت او، قرآن و فضائل بسیار آن، مقام نبوت، تفسیر قرآن، تخفیف شرایع و احکام، اسلام، توحید، علم و حکمت، فضائل رسول خدا(ص) است، مقام محمود، نور قلب شریف رسول خدا(ص) و اقوالی دیگر که بالغ بر ۲۶ قول است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳۰، ص ۲۴۴-۲۴۵). در تفاسیر شیعه، یکی از مهم ترین مصادیق کوثر، حضرت فاطمه زهرا(س) و استمرار نسل پیامبر(ص) از طریق ایشان دانسته شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۸۲۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۳۹۷). خداوند در آیه «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ» به جای استفاده از واژه «الْخَيْرِ الْكَثِيرِ»، واژه «الْكَوْثَرَ» را انتخاب کرده است؛ زیرا این واژه ایجاز، وزن و آهنگ قوی تری دارد. همچنین در انتهای سوره، جمله «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» با توجه به معنای ظاهری کلمه «ابتر» (اجاق کور) و اینکه این جمله از باب قصر قلب است، نشان می دهد که منظور از «کوثر» تنها و تنها کثرت نسل است که خداوند به پیامبر داده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۴۰۳). همچنین، واژه «إِنَّ» در جمله «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» علاوه بر تأکید، دلالت بر تعلیل دارد و معنای آن این است که «[چرا] که فقط (دشمن) کینه توز تو بریده نسل است» (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۶۰۲).

واژه «أَنْحَرُ»: «أَنْحَرُ» از ماده «ن-ح-ر» گرفته شده که در اصل به معنای ذبح کردن از ناحیه گردن

است. در تفسیر زمخشری آمده که این واژه اشاره به قربانی کردن شتر در حج دارد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۷۶۳). برخی از مفسران شیعه، معنای آن را بلند کردن دست‌ها هنگام نماز دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۸۲۹). با توجه به سیاق جمله و حضور حرف «فاء» در ابتدای آن، می‌توان دریافت که معنای دقیق واژه در این آیه، با لحاظ زمینه و ساختار جمله، امر به نماز و نحر شتر که متفّرع بر جمله «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْتْرَ» شده، از باب شکر نعمت است و چنین معنا می‌دهد؛ حال که ما بر تو منت نهادیم و خیر کثیرت دادیم، این نعمت بزرگ را با نماز و نحر شکرگزاری کن (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۶۳۹-۶۴۰). مراد از «نحر» بنابر روایاتی که از طرق شیعه و سنی از رسول خدا(ص) و از امام علی(ع) رسیده و نیز روایاتی که شیعه از امام صادق و سایر ائمه اهل‌بیت(ع) روایت کرده، دست بلند کردن به‌طرف گردن در هنگام تکبیر گفتن برای نماز است (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۱۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۴۰۳). ولی گفته‌اند: معنایش این است که نماز عید قربان بخوان و شتر هم قربانی کن (کلمه «نحر») به معنای سر بریدن شتر به آن نحو خاص است، همچنان که کلمه «ذبح» به معنای سر بریدن سایر حیوانات است. معنایش این است که برای پروردگارت نماز بخوان و وقتی سر از رکوع برمی‌داری، به‌طور کامل بایست و معانی دیگری هم ذکر کرده‌اند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۴۰۳).

وجه انتخاب: استفاده از این واژه به جای «إذْبَحْ» نشان‌دهنده پیوند عبادت و تسلیم در برابر خداوند است.

واژه «شَانِيءٌ + كَ»: از ماده «شَنَأَ» به معنای دشمنی و نفرت شدید است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۲۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷۴). «كَ» ضمیر مفعولی متصل مفرد و مخاطب آن، پیامبر اسلام(ص) است.

وجه انتخاب: استفاده از این کلمه به جای «عدوّ» نشان‌دهنده شدت بغض دشمنان پیامبر(ص) است. واژه دارای وزن فاعل است که بر استمرار یا ثبوت حالت (دشمنی مستمر) دلالت می‌کند. ساختار آن کوتاه اما بسیار هدفمند بوده و در سیاقی آمده که تعیین‌کننده هویت دشمن پیامبر(ص) است.

واژه «الْأَبْتَرُ»: از ماده «ب-ت-ر» که به معنای بریده شدن و قطع شدن است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۳۲).^۱ به معنای «مقطوع النسل» است و اشاره به کسانی دارد که گمان می‌کردند پیامبر(ص)

۱. از فعل «بَتَرَ- أَبْتَرًا»: قطع شد و ابتر صفت مشابه و بیانگر عیب است و به معنای حیوانی که دمش قطع شده، مار دم کوتاه سمی، کسی که اجاقش کور است، کسی که خیری ندارد (مصطفی و همکاران، بی‌تا، ص ۳۷)

پس از وفات فرزندان ذکورش، بی‌نسل خواهد ماند (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۱۲۴). در فرهنگ عربی، ابتر به فردی که نسل و دوام ندارد گفته می‌شود. در تفاسیر آمده که عاص بن وائل، پیامبر (ص) را «ابتر» نامیده بود؛ اما قرآن همین واژه را برای او به کار برده است، که نوعی مقابله به مثل بلاغی محسوب می‌شود (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۶۲۰).

معنای «ابتر» در این آیه بسیار کلیدی است:

۱) در فرهنگ عرب جاهلی، مردی که پسر نداشت، ابتر (بی‌تداوم، بی‌آینده) تلقی می‌شد.
 ۲) مشرکان، پیامبر (ص) را به دلیل از دست دادن فرزند پسر، ابتر می‌نامیدند و این واژه، بارِ تحقیق اجتماعی و سیاسی داشت.

۳) قرآن با وارونه‌سازی این تعبیر می‌فرماید: ابتر واقعی دشمن پیامبر (ص) است؛ نه او.

نکته بلاغی:

✦ این آیه، نقطهٔ اوج سورهٔ کوثر است. واژهٔ «ابتر» تمام ذهنیت جاهلی از پیامبر (ص) را زیر سؤال می‌برد.

✦ در این آیه، از نظر معناشناسی، «ابتر»، نشان خسران مطلق است؛ نه فقط فقدان نسل (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۶۲۸).

قرائات مختلف:

سورهٔ کوثر از جمله سوره‌هایی است که اختلاف قرائات در آن اندک است.

✦ **واژه «الْكَوْثَرُ»:** در تمام قرائات معروف (حفص، ورش، قالون، ابوعمرو و...) به صورت «الْكَوْثَرُ» قرائت شده است. برخی از قرائات کهن‌تر، آن را به شکل «الْكَوْثَرُ» خوانده‌اند که تأثیری در معنا ندارد (ابن الجزری، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۲۱).

✦ **واژه «وَأَنْحَرُ» در قرائت حفص:** «وَأَنْحَرُ» به فتح نون و سکون حاء. در برخی قرائات دیگر: «وَأَنْحِرُ» با کسره نون؛ اما تغییر معنایی ایجاد نمی‌کند (ابن مجاهد، ۱۹۷۲م، ص ۳۲۴).

نتیجه: اختلاف قرائات در این سوره، ناچیز است و بر معنا تأثیر قابل توجهی ندارد. علاوه بر این، «انحر» با فتح، با کوثر و ابتر از لحاظ عروضی هم‌وزن است و آیه را آهنگین‌تر کرده است.

وجود یا عدم وجود اغلاط املائی: یکی از موضوعات مهم در بررسی لفظی قرآن، بررسی ثبات رسم الخط و وجود یا عدم وجود خطاهای املائی در نسخه‌های کهن است:

✦ **رسم الخط عثمانی و املائی واژگان:** در رسم الخط عثمانی، این سوره هیچ تفاوتی با رسم الخط‌های امروزی ندارد و دقیقاً به همان صورت در تمامی مصاحف آمده است. واژگان «الْكَوْثَرُ»، «فَصَّلْ»، «وَأَنْحَرُ»، «شَانِكَ» و «الْأَبْتَرُ» در تمامی مصاحف به همین شکل ضبط شده‌اند.

✦ **مقایسه با نسخ خطی قدیمی:** در نسخه‌های قدیمی، مانند مصحف تاشکند (قرن اول هجری) و مصحف سمرقند، املائی سوره کوثر دقیقاً مطابق با رسم الخط امروزی است (سرگین، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۲۴).

نتیجه: سوره کوثر از نظر املائی در نسخه‌های قرآنی، کاملاً ثابت بوده و هیچ خطای املائی در نسخه‌های معتبر تاریخی وجود ندارد.

بُعد معنایی: در بُعد معنایی، سوره کوثر پیام‌های عمیق و گسترده‌ای را به مسلمانان می‌رساند. این پیام‌ها به‌ویژه در رابطه با مفهوم «الکوثر» و «ابتر» قابل توجه است.

✦ **خیر فراوان و برکت الهی:** «الکوثر» در سوره کوثر به معنای خیر فراوان است که به پیامبر (ص) داده شده است. این خیر می‌تواند به شکل‌های مختلفی تعبیر شود، از جمله قرآن، نسل پیامبر (ص)، علم، فضائل و برکات او. مفسران شیعه معتقدند که «الکوثر» به حضرت فاطمه زهرا (س) اشاره دارد که او نسل پیامبر (ص) را ادامه داد و به‌نوعی نماینده خیر و برکت الهی برای نسل‌های بعدی شد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۹۷).

✦ **نماز و قربانی:** در آیه دوم سوره، خداوند از پیامبر (ص) می‌خواهد که به شکرانه نعمت‌های الهی، نماز بخواند و قربانی کند. این دستور نشان‌دهنده اهمیت عبادت و شکرگزاری در برابر نعمت‌های خداوند است. در بسیاری از تفاسیر، این اشاره به قربانی کردن به‌عنوان بخشی از عبادات در حج و نیز به‌عنوان نمادی از تسلیم و فروتنی در برابر خداوند تفسیر شده است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۰، ص ۲۰۵).

✦ **پاسخ به دشمنان پیامبر (ص):** در آیه سوم، خداوند به دشمنان پیامبر (ص) که در پی تمسخر او به‌خاطر بی‌فرزندگی بودند، پاسخ می‌دهد. خداوند به آنها اعلام می‌کند که در واقع، خود آنها هستند که نسلشان قطع شده است. این پاسخ در واقع نه تنها به دشمنان پیامبر (ص)، بلکه به کسانی که در تاریخ اسلام به پیامبر (ص) اهانت کرده‌اند، یادآور می‌شود که خداوند همواره برکتی بی‌پایان برای پیامبر خود خواهد داشت (طنطاوی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۴۳۱).

بُعد فضای متن: برای درک بهتر سوره کوثر، باید فضایی که در آن، سوره نازل شده و مخاطبان اولیه آن، یعنی مسلمانان و به‌ویژه پیامبر (ص)، به‌خوبی بررسی شود.

فضای تاریخی نزول سوره کوثر: سوره کوثر، به‌ویژه در ارتباط با زندگی پیامبر اسلام و وضعیت اجتماعی و دینی آن دوران، اهمیت ویژه‌ای دارد. طبق بسیاری از تفاسیر معتبر، این سوره در مکه و در دوران نزول وحی، پیش از هجرت پیامبر (ص) به مدینه، نازل شده است. از نظر علامه، این سوره به‌ویژه در پاسخ به اعتراضات و اهانت‌های دشمنان پیامبر (ص) نازل شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق،

ج ۲۰، ص ۳۹۷). دشمنان پیامبر(ص)، به‌ویژه قریش، در آن دوران بر این باور بودند که مرگ فرزندان پیامبر(ص) باعث قطع نسل او خواهد شد. آنها این تصور را به‌عنوان دلیلی بر ضعف پیامبر(ص) و بی‌اثر بودن او در تاریخ مطرح می‌کردند. یکی از مهم‌ترین مفسران اهل سنت، ابن کثیر، در تفسیر خود بیان کرده است که در مکه، برخی از دشمنان پیامبر به‌ویژه ابوجهل و ابوسفیان از فقدان فرزند ذکور برای پیامبر استفاده کرده و او را «ابتر» یا «بی‌نسل» می‌نامیدند. این اهانت‌ها نشان‌دهنده فضای اجتماعی و دینی آن دوران بود که در آن، داشتن نسل و فرزند برای قبایل و شخصیت‌های مهم، به‌ویژه برای پیامبری که او را نماینده خدا می‌دانستند، بسیار حائز اهمیت بود (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۳۸۲).

فضای اجتماعی و فرهنگی مکه: در مکه، جامعه عرب به‌شدت تحت تأثیر سنت‌ها و اعتقادات جاهلی بود. قبایل عرب در آن دوران به‌شدت به موضوع نسل و میراث اهمیت می‌دادند و داشتن فرزند ذکور را نشانه افتخار و قدرت می‌دانستند. از نظر فرهنگی، قطع نسل یک فرد، به‌ویژه فردی چون پیامبر، نوعی ناتوانی و زوال اجتماعی به‌حساب می‌آمد. این مسئله به‌ویژه در میان دشمنان پیامبر(ص)، به‌ویژه کسانی که از قریش و افرادی مانند ابوجهل و ابوسفیان بودند، به‌شدت برجسته شده بود (زرقانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۱۵). در این فضای اجتماعی، وقتی پیامبر(ص) فرزند ذکور نداشت، دشمنان او از این وضعیت بهره‌برداری می‌کردند تا او را به تمسخر بگیرند و در مقام پیامبری او تردید ایجاد کنند. این اهانت‌ها که بیشتر به‌صورت اشعار و سخنان توهین‌آمیز مطرح می‌شد، برای پیروان پیامبر نیز دردناک بود؛ زیرا بسیاری از آنها از عشایر و قبایل بودند که به نسل و تبار خود اهمیت زیادی می‌دادند. در این شرایط، خداوند با نزول سوره کوثر به پیامبر(ص) پیام داد که هیچ‌گاه نسل او قطع نخواهد شد و در واقع، او صاحب نعمتی است که از نظر دینی و معنوی به او داده شده و از این طریق، خداوند نسل او را ادامه خواهد داد.

فضای معنایی نزول سوره: از نظر معنایی، فضای نزول سوره کوثر به‌نوعی واکنشی به اهانت‌ها و اعتراضات دشمنان است. وقتی دشمنان پیامبر(ص) در مکه با کلمات تحقیرآمیز، از جمله «ابتر» (بی‌نسل) به او حمله می‌کردند؛ خداوند از طریق سوره کوثر به پیامبر خود پاسخ داد که او نه تنها نسلش قطع نخواهد شد، بلکه خداوند نعمتی به او داده است که در طول تاریخ استمرار خواهد داشت. این نعمت می‌تواند، هم در جنبه‌های مادی (مثل نسل‌های بعدی پیامبر که در خاندان اهل بیت تجلی یافت) و هم در جنبه‌های معنوی (مانند قرآن و برکات الهی) تفسیر شود. در تفسیر «الکوثر» نیز، مفسران اهل سنت و شیعه به‌طور کلی تأکید دارند که این خیر بسیار، علاوه بر نسل پیامبر(ص)، شامل قرآن کریم و تمام برکات معنوی است که پیامبر(ص) به‌عنوان نماینده خداوند در میان انسان‌ها

معرفی کرده است. علامه طباطبایی در «المیزان»، این تفسیر را مطرح می‌کند که «الکوثر»، هم به معنای قرآن است و هم به معنای حضرت فاطمه زهرا(س) که ادامه‌دهنده نسل پیامبر(ص) و سرچشمه برکت‌های الهی برای امت اسلامی بود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۹۷).

فضای دینی نزول سوره: از منظر دینی، سوره کوثر به‌ویژه در جهت تقویت ایمان مسلمانان نازل شده است. این سوره به پیامبر(ص) اعلام می‌کند که دشمنان او که به قطع نسل او می‌پردازند، در واقع خودشان از برکات الهی محروم خواهند شد. در آیه سوم، واژه «الْأَبْتَرُ» به‌طور آشکار به دشمنان پیامبر(ص) اشاره دارد که در واقع، آنها هستند که نسلشان قطع خواهد شد و از برکات الهی بی‌بهره خواهند بود. این فضا، فضای امیدواری و تقویت روحیه برای مسلمانان اولیه بود تا در برابر مشکلات و اهانت‌های دشمنان، استقامت داشته باشند (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۱۲۵).

تأثیر فضای سوره بر مسلمانان اولیه: تحلیل فضای متن سوره کوثر نشان می‌دهد که این سوره در پی حفظ و تقویت اعتماد مسلمانان به پیامبر(ص) و خداوند بوده است. در شرایطی که دشمنان پیامبر به‌نوعی تلاش می‌کردند تا پیامبر را از نظر اجتماعی و دینی تضعیف کنند، سوره کوثر به‌عنوان یک پیام محکم از طرف خداوند، به مسلمانان اطمینان داد که نسل پیامبر قطع نخواهد شد و خداوند، برکات فراوانی را در تاریخ اسلام برای او قرار داده است.

بُعد آوایی: بُعد آوایی متن قرآن شامل نکات مهمی همچون ریتم، قافیه، تکرار و هماهنگی صوتی است که می‌تواند مخاطب را درگیر معانی عمیق‌تری کند.

ساختار آوایی: سوره کوثر یک سوره کوتاه است که تنها سه آیه دارد؛ اما در این سه آیه، ویژگی‌های آوایی بسیار مهم و تأثیرگذاری به‌طور دقیق و ماهرانه به‌کار رفته است (هرچند که در ترجمه، تأثیر مستقیم ندارد مگر اینکه مترجم بخواهد به نثر فنی ترجمه کند، که باید بکوشد به شکلی حتی المقدور این نکات آهنگی را در ترجمه منعکس کند). ساختار آوایی سوره کوثر به‌ویژه با استفاده از تکرار صداها و هم‌آهنگی‌های خاص، نه تنها به زیبایی متن افزوده، بلکه موجب ماندگاری آن در ذهن مخاطب نیز شده است (عبودی مزرعی و ولوی، ۱۴۰۱، ص ۱۲).

الف) قافیه و تغنیم آوایی: در سوره کوثر، قافیه‌های صوتی به‌طور مشخصی به‌هم پیوسته‌اند. مثلاً در پایان هر آیه، به‌ویژه در آیه اول و دوم، واژه‌های «الکوثر» و «الابتر» در تلفظ خود هارمونی خاصی دارند. قافیه‌سازی در این سوره، به‌ویژه در دو واژه مذکور، باعث تأکید بر مفهوم مرکزی سوره می‌شود که بیانگر کثرت و بی‌نیازی است.

ب) تکرار صداها: در سوره کوثر، تکرار صداها خاصی مانند «ک» در کلمات «أَعْظِيْنَاكَ»، «کوثر»، «لِرَبِّكَ» و «شَانِيْكَ» نقش مهمی در هماهنگی آوایی ایفا می‌کند. این تکرارها نه تنها به زیبایی

آوایی سوره کمک می‌کند، بلکه معنای سوره را تقویت می‌نماید. علامه، این تکرارها را به‌عنوان بخشی از زیبایی بیانی قرآن بیان کرده که پیام‌های قرآنی را برای انسان‌ها قابل درک‌تر می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۴۲۷).

ج) هماهنگی صداها و تأثیر آن بر مخاطب: در کنار تکرار صداها، تأثیر ریتم و سرعت خواندن آیات نیز در خلق فضای معنوی سوره نقش دارد. ریتم قرآن و نحوه تلفظ آن باعث می‌شود که پیام‌های قرآن به‌طور مؤثری به قلب و ذهن مخاطب وارد شوند.

تأثیر آوای سوره کوثر بر خواننده و شنونده:

الف) تأثیر روانی و معنوی: تلاوت قرآن، به‌ویژه با صوت خوش و رعایت قواعد تجوید، نقش بسزایی در ایجاد آرامش روانی و برانگیختن احساسات معنوی در مخاطب دارد. همان‌طور که فخر رازی اشاره می‌کند، هنگامی که آیات قرآن به‌درستی و با آهنگ مناسب خوانده شود، اثر عمیقی بر جان و روان شنونده برجای می‌گذارد (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱، ص ۱۰۰). در سوره کوثر، آهنگین بودن آیات باعث می‌شود که مخاطب به‌آسانی و بدون زحمت به مفاهیم آن دست یابد. به‌ویژه در شرایطی که پیامبر (ص) با اهانت‌های دشمنان خود مواجه بود، این زیبایی آوایی کمک کرد تا مسلمانان در مقابل دشواری‌ها تقویت شوند.

ب) تقویت تأثیر معنای کلمات: در تفسیر ابن کثیر آمده است که آوای قرآن نه‌تنها به زیبایی لفظی آن می‌افزاید، بلکه به تقویت معنای کلمات نیز کمک می‌کند. در سوره کوثر، کلمات «الکوثر» و «الأبتر» به‌طور خاص از نظر آوایی و معنایی باهم تضاد دارند. این تضاد آوایی و معنایی به‌طور ویژه‌ای به مخاطب می‌فهماند که در برابر تحقیرهای دشمنان، خداوند با عطای بزرگ خود، نسل پیامبر (ص) را ادامه خواهد داد و دشمنان او خود در حال قطع نسل و انقراض در تاریخ خواهند بود (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۳۸۳).

تحلیل خاص آوای واژه‌ها:

۱. واژه «إِنَّا» فقط از دو بخش آوایی ساده تشکیل شده، اما از نظر تأثیر صوتی بسیار قوی است:

◆ صدای «إِ» (کوتاه) آغازگر و هشداردهنده.

◆ صدای «نَّا» کشیده، دارای وزن صوتی آرام‌بخش و مؤکد (عبدالمتوب، ۱۹۸۵م، ص ۲۳۴).

در تلاوت، قاریان معمولاً روی «نَّا» تکیه می‌کنند و آن را با مد طبیعی (دو حرکت) یا گاهی بیشتر ادا می‌کنند؛ تا لحن عظمت‌بخش آن حفظ شود. این ساختار آوایی در ابتدای سوره، نوعی ریتم هجایی و آوایی مؤکد ایجاد می‌کند که توجه مخاطب را جلب می‌کند (عباسی مقدم، ۱۳۸۴، ص ۵۰). حروف مصوت بلند و باز مانند «ا» و «ن» در «إِنَّا» باعث ایجاد حالت تأکید و ثبات معنایی

می‌شوند، که به آرامش صوتی و نغمه تأکیدی ابتدای سوره کمک می‌کنند (خرقانی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۳).

۲. واژه «أَعْطَيْنَاكَ» از نظر صوتی دارای ویژگی‌های زیر است:

♦ آغاز با «أ» (مصوت باز)، ورود قدرتمندی دارد.

♦ صدای «ط» یک هم‌خوان انفجاری است که در میانه واژه، قدرت را تداعی می‌کند.

♦ ترکیب «نَا» کشیده و گرم است، که حس عطوفت و بزرگ‌منشی را القاء می‌کند.

♦ پایان با «كَ»، جمله را به صورت دستور مستقیم، ولی با لحنی شخصی و محبت‌آمیز به

پیامبر (ص) ختم می‌کند.

در تلاوت، قاریان معمولاً این واژه را با امتداد بر «نَا» و تأکید بر «كَ» می‌خوانند که بار عاطفی

آن بیشتر احساس شود (قاضی، ۱۳۹۵، ص ۷۵). همچنین، صدای «ط» در «أَعْطَيْنَاكَ» به‌عنوان یک

حرف مفخم، حس قدرت و کرامت بخشیدن را تقویت می‌کند (خرقانی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۷).

۳. واژه «الْكَوْثَرُ» که در سوره کوثر به‌عنوان نام این سوره آمده است، از نظر آوایی، یک واژه نرم و

لطیف است که در عین حال، مفهوم گستردگی و کثرت را به‌شکلی پر قدرت بیان می‌کند. صدای «كَ»

و «و» در این کلمه نه تنها زیبایی آوایی خاصی ایجاد می‌کند، بلکه به‌عنوان واژه‌ای مثبت، به‌معنای

فراوانی و برکت الهی اشاره دارد که برای پیامبر (ص) و امت او در نظر گرفته شده است (انصاریان،

۱۳۸۵، ص ۲۴). صامت دندانی «ث» در «الْكَوْثَرُ» نقش جلب توجه و ایجاد طنین خاص دارد که در

قرآن کریم، ویژگی بارزی است (خرقانی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۸).

واژه «الْكَوْثَرُ» به‌لحاظ صوتی واجد توازن، تقارن و موسیقی خاصی است:

♦ آغاز با «ل» معرفه که سنگینی و رسمی بودن را نشان می‌دهد.

♦ صامت‌های قوی مانند «كَ» و «ث» و «ر» پشت سر هم آمده‌اند.

♦ واج‌آرایی در صامت‌های لبی و زبانی باعث ایجاد آهنگی واضح و محسوس می‌شود.

♦ پایان با «ر»، همانند پایان تمام آیات سوره کوثر، صدایی قاطع و سنگین ایجاد می‌کند

(عبدالمحمدی، ۱۳۹۲، ص ۴۶).

در تلاوت قرآن، این واژه با امتداد روی هجای «وُ» و تأکید بر «ر» همراه است که حس عظمت و

قدرت را در شنونده تقویت می‌کند (شفیعی، ۱۳۷۸، ص ۲۱).

۴. واژه «فَصْلٌ» از نظر آوایی شامل واج‌هایی با بار معنایی قوی است:

♦ حرف «ص» یکی از صامت‌های صغیری و تأکیدی عربی است که در حالت سکون و قرائت،

حالتی جدی و مقتدرانه دارد.

♦ «ل» با ادغام و تشدید، موسیقی و آهنگ خاصی به واژه می‌بخشد.

♦ در قرائت قرآن، بر اثر تشدید لام، نوعی کشش طبیعی ایجاد می‌شود که همراه با نغمه تلاوت، حس خشوع و تضرع را به شنونده القاء می‌کند (شفیعی، ۱۳۷۸، ص ۲۵).

ترکیب «فاء تفریع + فعل امر + تکیه تشدید» باعث القای حرکت، عمل و اقتدار در اجرای دستور الهی می‌شود (طاهری، ۱۳۸۵، ص ۵۶). صدای «ص» در «فَصَلَّ» موجب انتقال حس خشوع و جدیت می‌شود (خرقانی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۰).

۵. واژه «لِرَبِّكَ» به لحاظ آوایی دارای ویژگی‌های زیر است:

♦ آغاز با «لِ» کوتاه، به صورت نرم و هدایت‌کننده است.

♦ تکرار واج‌های «ر» و «ب» (با تشدید) موجب ایجاد ضرب‌آهنگ قدرتمند در واژه شده است.

♦ پایان با «ک» که در تلاوت، با تکیه کوتاه مخاطبانه بیان می‌شود و بار عاطفی دارد (عبدالحمیدی، ۱۳۹۲، ص ۵۶).

در تلاوت قرآن، قاریان معمولاً روی «رَبِّ» تکیه کرده و تشدید آن را پررنگ‌تر ادا می‌نمایند. واژه دارای توازن آوایی با «فَصَلَّ» و «وانحر» در دو سوی خود است؛ سه‌گانه‌ای از فعل + متمم (جار و مجرور) + فعل (شفیعی، ۱۳۷۸، ص ۵۶). تکرار حروف لرزشی «ر» و لَبّی «ب» همراه با «ک» نرم و خطاب‌گر در «لِرَبِّكَ»، لحنی نرم و در عین حال توجه‌دهنده به مخاطب، ایجاد می‌کند (خرقانی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۵).

۶. واژه «انحر» از نظر صوتی تأکید و قاطعیت دارد: حرف «ن» در آغاز، نرم و آرام، اما سریع است. حرف «ح» از صامت‌های حلقی است که نفس را از عمق خارج می‌کند؛ حالت خشوع دارد. حرف «ر» در پایان، با حالت باز، پایان‌کوچنده به واژه می‌دهد. واژه «انحر» در پایان آیه دوم می‌آید و با «فَصَلَّ» که دارای صدای «ص» است، جفتی آوایی می‌سازد:

♦ «صَلَّ» = صدای صامت شدید (ص)

♦ «انحر» = پایان حلقی (ح) و زبانی (ر) (عبدالحمیدی، ۱۳۹۲، ص ۲۳).

۷. واژه «إِنَّا» از نظر آوایی بسیار ساده اما اثرگذار است: کسره همزه و فتحه مشدد نون با هم ایجاد ریتمی ملایم ولی تأکیدی می‌کنند. حرف «ن» با تشدید تلفظ می‌شود و در تلاوت، اغلب با مد طبیعی کوتاه همراه است. تشدید «ن» باعث افزایش حس قاطعیت و هشدار می‌شود. تقارن آوایی با آیه اول (که با «إِنَّا» آغاز می‌شود) موجب انسجام درون‌متنی شده و نوعی «بازگشت آوایی» به آغاز سوره ایجاد می‌کند (طاهری، ۱۳۸۵، ص ۲۱).

۸. واژه «شاننک» از نظر آوایی، ترکیبی از صامت‌های خشن و هجومی است:

♦ ش: صدایی انفجاری و هشداردهنده دارد.

- ✦ ن: با هجای کوتاه پس از «ا»، حس فشرده‌گی می‌دهد.
- ✦ ه (همزه): از اصوات حلقی که وقفه آوایی در کلمه ایجاد می‌کند.
- ✦ ک: ضمیر مخاطب با هجای باز که روی هدف جمله تأکید دارد (مظاهری، ۱۳۹۱، ص ۶۹).
- در تلاوت قرآن، این واژه معمولاً با تأکید صوتی روی «سَنان» و سپس، وقف کوتاه بر «ئ» ادا می‌شود؛ که باعث تقویت حس افشاگری و تحقیر دشمن می‌گردد.
۹. واژه «هُوَ» واژه‌ای کوتاه و روان است، اما در لحن تلاوت، معمولاً با تأکید آوایی خاص خواننده می‌شود. حرف «ه» صدای نرم و گرم دارد؛ اما در جایگاه تأکیدی (ضمیر فصل) به طرز خاصی بار معنایی پیدا می‌کند. مصوت «و» در انتها، در تلاوت کشیده یا نیم‌کشیده خوانده می‌شود که حس برجستگی و یگانگی را منتقل می‌کند. در تلاوت قرآن، قاریان معمولاً روی «هُوَ» مکث یا تکیه می‌گذارند؛ تا اختصاص حکم به دشمن پیامبر را آشکار سازند (شفیعی، ۱۳۷۸، ص ۸۷).
۱۰. در مقابل، واژه «الأبتر» که به‌عنوان لقب دشمنان پیامبر به‌کار رفته، از نظر آوایی حالتی خشن و قطع‌کننده دارد. همنشینی صامت‌های انفجاری «ب» و «ت» به‌نوعی حس بریدگی، خشونت و ناتوانی را القاء می‌کند. این تقابل آوایی و معنایی میان «الکوثر» و «الأبتر»، به تضاد میان مقام والای پیامبر (ص) و وضع دشمنان او در سوره کوثر اشاره دارد (سلیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۵).
- ✦ واژه «الأبتر» از نظر آوایی، با پایان قاطع و کوبنده «ر» به پایان می‌رسد.
- ✦ حروف «ب»، «ت» و «ر» همگی صامت‌های انفجاری و بسته هستند که در کنار هم، حس «قطع، خشونت، پایان» را منتقل می‌کنند.
- ✦ تکیه در تلاوت، معمولاً بر هجای «بَت» یا «تَر» است و با «ر» مشدد یا قوی تمام می‌شود.
- در تلاوت قرآن، اغلب قاریان، آیه را با وقف تأکیدی روی «الأبتر» تمام می‌کنند؛ این پایان قاطع، پیامی صریح از پیروزی معنوی پیامبر و شکست دشمن است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص ۴۲۸).

۷. ترجمه مبین

در راستای ارائه ترجمه با مدل نوین «مبین» برای تحلیل و طراحی ترجمه‌های قرآنی، سوره کوثر به‌عنوان نمونه‌ای از ایجاز در لفظ و غنا در معنا، مورد تحلیل واژه به واژه قرار گرفت. در این تحلیل، هر واژه براساس چهار بُعد اساسی (لفظ، معنی، فضا و آوا) مدل «مبین» بررسی شد. براساس این بررسی چندلایه، ترجمه‌ای برای هر واژه سوره کوثر پیشنهاد شد که نه صرفاً معادل لفظی، بلکه بازتاب‌دهنده لایه‌های معنایی، بلاغی، تاریخی و شنیداری متن قرآن نیز باشد. جدول زیر، نتیجه این فرآیند ترجمه‌محور را تحت‌عنوان «ترجمه مبین سوره کوثر» نشان می‌دهد. در ستون پایانی، ترجمه پیشنهادی برای هر واژه درج شده که با رعایت اصل وفاداری به متن عربی و در نظر گرفتن شرایط

انتقال معنا در زبان فارسی طراحی شده است. این ترجمه‌ها می‌توانند الگویی دقیق و الهام‌بخش برای ترجمه سوره‌های دیگر قرآن در چارچوب مدل «مبین» باشند.

واژه	لفظ	معنا	فضا	أوا	ترجمه مبین
إِنَّا	مشکل از «ان» (تاکید) + «نا» (فاعل جمع = خبر و جلب توجه پیامبر خداوند). تاکید مضاعف در آغاز سوره.	دلالت بر حتمی بودن خبر و جلب توجه پیامبر	در فضای مکه که پیامبر در اقلیت بود، تأکید خدا بر باز و پرطنین‌اند؛ و قطعیت «ما» بودن (إنا) امیدبخش است. سوره می‌شوند.	حروف «ن» و «ا» به‌راستی ما (با تأکید و قطعیت)	بهرآسانی ما (با تأکید و قطعیت)
أَعْطَيْنَاكَ	از ریشه بخششی بی‌منت؛ به معنای بخشیدن کامل و کریمانه.	بخششی بی‌منت؛ برخلاف «آیناک» که مشروط بودن دارد.	طعنه به دشمنانی که پیامبر را بی‌بهره می‌دانستند؛ این فعل نفی‌کننده آن باور است.	تکرار صامت «ط» و مصوت «ا» تأکید و امتداد را القاء می‌کند. (کریمانه)	بخشیده‌ایم به تو (بخشش کامل و کریمانه)
الْكَوْثَرَ	اسم مبالغه از ریشه «کثر»؛ تنها بار در قرآن آمده است.	در ۲۶ دارای بیش از ۲۶ تفسیر: نهر بهشتی، خیر کثیر، فاطمه زهرا، اخلاقی می‌دهد.	در مقابل فقر مادی پیامبر، خدا وعده غنای معنوی/ اخلاقی می‌دهد.	هم‌آوایی حروف «ک»، «ث»، «ر» موسیقی و ویژه دارد.	کوثر (خیر بی‌پایان) به‌عنوان آمده است.
فَصَلِّ	فعل امر از ریشه «صلاة»؛ با فاء تفریع.	نماز به عنوان شکر عملی به نعمت کوثر.	تأکید بر عبودیت در برابر نعمت عظیم.	صدای «ص» حالت خشوع و جدیت دارد.	پس نمازگزار (در پاسخ به نعمت عظیم)
لِرَبِّكَ	ترکیب اضافی «رب» + «ک» با حرف جر «ل».	دلالت بر اخلاص در عبادت؛ نماز برای خدا.	تضاد با عبادت ریاکارانه یا همراه با «ک» نرم و خطاب‌گر است.	تکرار «ر» و «ب» همراه با «ک» نرم و خطاب‌گر است.	برای پروردگار خویش (با اخلاص و بندگی مطلق)
وَأَنْحَرُوا	فعل امر از «نحر» = قربانی کردن.	عمل عبادی مکمل نماز؛ نشانه ایثار.	تقابل با رسم جاهلی در قربانی برای بت‌ها.	حروف قوی «ن»، «ح»، «ر» القاء‌کننده جدیت عمل هستند.	و قربانی کن (به نشانه سپاس و ایثار برای خدا)
إِنَّ	حرف تأکید مشابه آیه اول.	قاطعیت در معرفی دشمن پیامبر.	بیان الهی با تأکید بیشتر در مقابل طعن دشمن.	بازآفرینی آوایی ساختار آیه اول برای انسجام.	همانا (بدون تردید و با تأکید قطعی)
شَانِيْكَ	اسم فاعل از «شأن» به معنای دشمنی با بغض.	دشمنی عمیق؛ نه صرف مخالفت.	اشاره به عاص بن وائل یا ابوجهل.	صداهای «ش» و «ه» دارای بار هجومی‌اند.	دشمن بغض‌ورز تو (خصوصاً مت‌ورز باطنی)
هُوَ	ضمیر فصل برای انحصار.	تأکید بر اینکه تنها او ایتر است.	نفی ضمنی توهین دشمن به پیامبر.	کشش صوتی تأکید جمله را تقویت می‌کند.	اوست (و فقط اوست)
الْأَيْتَرُ	از ریشه «بتر» به معنی قطع‌شده.	در جاهلیت کنایه از مرد بی‌فرزند؛ اما اینجا برعکس استفاده شده. ^۱	وارونه‌سازی ارزشی جاهلیت.	پایان کوبنده سوره؛ صدای «ر» قاطعانه است.	بی‌دنباله و بی‌برکت (شکسته‌پشت و بی‌اثر حقیقی)

۸. ترجمه سوره کوثر بر پایه مدل «مبین»

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(۱) إِنَّا أَنْعَمْنَا بِكَ الْكُوفِرُ: به‌راستی ما به تو خیر فراوان عطاء کردیم.

۱. در فرهنگ جاهلی، «ایتر» کنایه از مرد بی‌فرزند و بی‌دنباله بود؛ قرآن با حفظ همین معنا، آن را درباره دشمن پیامبر (ص) به‌کار برده است. این وارونه‌سازی درون‌معنایی، نوعی بازگرداندن طعنه به طعن‌زننده است.

(۲) فَصَلْ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ: پس نماز گزار برای پروردگارت و در راه او قربانی کن.

(۳) إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ: بی‌تردید، این دشمن بغض‌ورز تو است که بی‌دنباله و بی‌برکت است.

۸-۱. نحوه بازتاب مؤلفه آوایی در ترجمه

در ترجمه ارائه شده، تلاش شده تا با انتخاب واژگانی موزون و متناسب، تا حد ممکن ایقاع و موسیقی درونی آیات حفظ شود. به‌عنوان نمونه، در ترجمه آیه اول، واژه‌هایی مانند «به‌راستی»، «عطا» و «فراوان» با ساختاری آهنگین، به ترنم طبیعی آیه «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ» نزدیک شده‌اند. در آیه دوم نیز استفاده از ساختار «نماز گزار برای پروردگارت و در راه او قربانی کن»، با توازن نحوی و فعل‌های امری کوتاه، ضرب‌آهنگ امر در آیه عربی را بازتاب می‌دهد. همچنین، در ترجمه آیه سوم، اصطلاح «بی‌تردید» و عبارت «بی‌دنباله و بی‌برکت» علاوه بر انتقال معنا، نوعی سجع معنوی و آوایی ایجاد می‌کنند که یادآور واژه قرآنی «الأبتر» است. بدین ترتیب، گرچه انتقال کامل موسیقی آیات قرآن به زبان فارسی ممکن نیست، اما در مدل مبین، سعی شده در کنار وفاداری معنایی، به ساختار صوتی آیات نیز توجه شود، تا تجربه قرائت ترجمه، طنین و وقار متن اصلی را به‌طور نسبی بازتاب دهد.

۹. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پاسخ به نیازهای نوین در تحلیل ترجمه‌های قرآن کریم، به طراحی مدل چهاربُعدی «مبین» برای تحلیل ترجمه‌های فارسی پرداخت. این مدل با تلفیق ابعاد معناشناختی، زبانی، بافتی و آوایی، ابزار جامعی برای بررسی و ارزیابی ترجمه‌های قرآنی فراهم می‌کند. تحلیل سوره کوثر، به‌عنوان نمونه‌کاوی این مقاله، یکی از نقاط قوت مدل مبین را نمایان ساخت: قدرت آن در تشخیص و تحلیل تأثیر واژگان تکامد (واژگانی که تنها یک‌بار در کل قرآن آمده‌اند). این سوره کوتاه، با تنها سه آیه و ده واژه، شش واژه تکامد دارد «الأبتر، الكوثر، انحر، أعطيناك، شانئك، فصل». این تراکم کم‌نظیر واژگان نادر، سبب ایجاد «تکانه‌های شناختی» در ذهن خواننده یا شنونده می‌شود؛ یعنی لحظاتی از توقف ذهنی، درنگ و تأمل برای فهم بهتر. این پدیده از منظر زبان‌شناسی، عاملی برای بیدارسازی ذهن و تعمیق معنا است که ترجمه نمی‌تواند از آن غافل شود. مدل «مبین» به‌ویژه در بُعد معنایی و بُعد بافتی، ابزارهای تحلیلی دقیقی برای درک و ترجمه چنین واژگانی در اختیار قرار می‌دهد. روشن شد که تنها ترجمه لفظی یا سطحی نمی‌تواند بار معرفتی و زیبایی‌شناختی این سوره را منتقل کند. بلکه ترجمه، نیازمند فهم عمیق فضای آیه، نغمه و ساختار کلام و نیز پیش‌زمینه تفسیری و قرآنی آن است. ترجمه‌های تحلیلی شده نشان دادند که مدل مبین، با ایجاد تلفیق بین چهار بُعد تحلیلی، توانسته تفاوت‌ها و تطوّر ترجمه‌ها را روشن کرده و مسیر «تکامد ترجمه‌ای» را به‌خوبی

آشکار کند. بنابراین، این مقاله گامی است در جهت ارتقای استانداردهای تحلیل ترجمه‌های قرآن، با تأکید بر ضرورت توجه به واژگان نادر، بافت ویژه سوره‌ها و جلوه‌های سبک‌شناختی قرآن. مدل مبین می‌تواند نه تنها در تحلیل ترجمه‌های فارسی، بلکه در سایر زبان‌ها نیز به کار رود و مسیر پژوهش در حوزه مطالعات ترجمه‌پژوهی قرآن را سامان‌مندتر سازد.

منابع

قرآن کریم.

- آلوسی، شهاب‌الدین محمود (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۳۰.
- ابن الجزری، محمد بن محمد (بی تا). *النشر فی القراءات العشر*. مصر: مکتبه التجاریه الکبری، ج ۱.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغه*. قم: مکتل الاعلام الاسلامی، ج ۵.
- ابن مجاهد، احمد بن موسی (۱۹۷۲ق). *السبعة فی القراءات*. مصر: دار المعارف.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر، ج ۸.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۴.
- انصاریان، غلامحسین (۱۳۸۵). *تحلیل زبان و ادبیات قرآن*. قم: انتشارات جمکران.
- بحرانی، هاشم (۱۳۷۴ق). *البرهان فی التفسیر القرآن*. قم: موسسه بعثه، ج ۴.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۵). *ترجمه‌شناسی قرآن کریم*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- تهانوی، محمدعلی (۱۹۹۶). *کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم*. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، ج ۲.
- جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۷۰). *دلایل الاعجاز فی علم المعانی*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جوهری، سید محمدحسین (۱۳۹۵). *روش‌شناسی ترجمه قرآن کریم*. تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- حسینی، محمد (۱۴۰۰). *میزان القرانه*. تهران: مرکز طبع و نشر قرآن کریم.
- خاروف، محمد فؤاد (۱۴۲۰ق). *المیسر فی القراءات الأربع عشره*. دمشق: دارالکلم الطیب.
- خرقانی، حسن (۱۳۹۴). *قرآن و زیبایی‌شناسی*. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغتنامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱۴.
- رازی، فخرالدین بن عمر (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۳۲، ۲۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات فی غریب القرآن*. دمشق: دارالاسلم الدار الشامیه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۳). *تفسیر قرآن مهر*. قم: نسیم حیات، ج ۱.
- زرقانی، محمد عبدالظاهر (۱۴۱۶ق). *مناهل العرفان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالفکر، ج ۲.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل*. بیروت: دارالکتاب العربی، ج ۴.
- سجادی، سید ابراهیم (۱۳۸۷). *قرآن و معنای زندگی*. پژوهش‌های قرآنی، ۱۲ (۴۵)، ص ۱۰-۴۷.
- سزگین، فؤاد (۱۴۱۲ق). *تاریخ التراث العربی*. قم: کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، ج ۱.
- سلیمی، علی اصغر (۱۳۸۹). *بلاغت قرآنی در ساختار واژگان*. تهران: سمت.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، ج ۶، ۸.
- شفیعی، محمد رضا (۱۳۷۸). *تجوید قرآن کریم: قواعد و فنون*. قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- طاهری، سید محمد (۱۳۸۵). *بلاغت و بیانیات قرآن کریم*. قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ق). *المیزان فی التفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱، ۲۰.

- طبرسی، فخرالدین بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی التفسیر القرآن*. تهران: ناصرخسرو، ج ۱۰.
- طبری، محمد بن حریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه، ج ۱۲.
- طنطاوی، جلال (۱۴۱۲ق). *الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم (تفسیر طنطاوی)*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱۰.
- عباسی مقدم، علی اصغر (۱۳۸۴). *موسیقی تلاوت قرآن کریم: ساختار صوتی، لحنی و زیبایی شناسی*. تهران: سوره مهر.
- عبدالنواب، رفاعی (۱۹۸۵). *فصول فی فقه العربیة*. قاهره: دار المعارف.
- عبدالمحمدی، حسن (۱۳۹۲). *واژه‌شناسی و واج‌شناسی قرآن کریم*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عبودی مزرعی، حسین؛ ولوی، سعید (۱۴۰۱). *بررسی ساختار هارمونی موسیقایی سوره کوثر براساس روایت حفص از عاصم. مطالعات قرآنت قرآن، شماره ۱۸.*
- غزالی، أبو حامد محمد. (۱۴۰۵ق). *فضائح الباطنیة*. محقق محمد علی قطب. بیروت: المكتبة العصرية، ج ۱.
- فانز، قاسم (۱۴۰۳). *ترجمه پژوهی قرآن کریم*. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. قم: هجرت، ج ۲.
- فلاح، ابراهیم؛ شفیع پور، سجاد (۱۳۹۴). *کاربردشناسی نشانه‌های آوایی در نظام معنایی قرآن کریم (تحلیل موردی سوره مرسلات)*. *پژوهش‌های قرآنی در ادبیات*، ۲(۳)، ص ۴۱-۶۳.
- فیروزآبادی، محمد بن یوسف (۱۴۱۵ق). *قاموس اللغة*. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون، ج ۲.
- قاضی، محمد (۱۳۹۵). *تجوید قرآن کریم: مبانی و کاربردها*. قم: انتشارات مدرسه عالی امام خمینی.
- قرطبی، محمد بن أحمد (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: ناصرخسرو، ج ۲۰.
- کریمی‌نیا، مرتضی (۱۳۹۳). *تکامل در قرآن، تحلیلی بر واژه‌ها و ترکیبات تک‌کاربرد در قرآن کریم*. *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، شماره ۲.
- مصطفی، ابراهیم؛ انیس، احمد؛ حوفی، حامد عبدالقادر؛ سلام، محمدعلی (بی‌تا). *المعجم الوسیط*. استانبول: مجمع اللغة العربیة.
- مظاهری، محمدرضا (۱۳۹۱). *آوای قرآن: تحلیل آواشناسی و زیبایی‌شناسی صوتی قرآن کریم*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیة، ج ۱-۲، ۲۷-۲۶، ۱۹، ۱۳، ۸.
- ناظمیان، رضا (۱۳۸۶). *روش‌هایی از ترجمه عربی به فارسی*. تهران: سمت.
- نظری، یوسف (۱۳۹۵). *وجوه ابهام یا ایهام نحوی در زبان عربی و تاثیر آن بر ترجمه قرآن کریم*. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، شماره ۱۵.
- نلسون، کریستینا (۲۰۰۱). *هنر تلاوت قرآن*. قاهره: انتشارات دانشگاه آمریکایی قاهره.
- Holmes, J.S. (1988). *The name and nature of translation studies*. In: James Stratton Holmes, Translated! Papers on literary translation and translation studies.
- Munday, J. (2016). *Introducing translation studies: Theories and applications* (4th ed.). London & New York: Routledge.
- Schmidt, R. (1990). The role of consciousness in second language learning. *Applied Linguistics*, 11(2).